

The Role of Yazid Ibn ShajarehRahawi in the Instability and Stability of the Position of Imam Ali (AS), and Mu'awiyah in Mecca

Maryam SaeedyanJazi*

Abstract

This study is in line with the role of religious forces and tribal elites in the events of Islamic history in the first century AH, and analyzes Yazid ibn ShajarehRahawi and his role in the instability of the Caliphate of Imam Ali (AS) and the stabilization of the Umayyads. Yazid was a supporter of Uthman. During the caliphate of Imam Ali (AS), he went from Kufa to Syria and accompanied Mu'awiyah in the battle of Tiffin. He was also considered one of the religious leaders and political figures of Syria. The commander was in charge of plundering Mecca and taking allegiance to Mu'awiyah. The research method is a historical study based on data collection, analysis, and description and with the method of libraries and Islamic sources. How did Yazid play a role in the instability of Imam Ali (AS) and the stability of Mu'awiyah in Mecca? What were the effective factors in this success? What was the role and position of Mu'awiyah and Imam Ali (AS)? This study clarifies: Yazid's position and his orientation in confronting Imam Ali (AS) in Mecca, caused the instability of his rule and the stability of Mu'awiyah. The main strategy of Imam Ali (AS) in this case was to repel the conspiracy of Mu'awiyah based on the three important categories of jihad, preserving the divine sanctuary, and establishing the truth. Other factors in Rahawi's relative

* Associate professor, Department of Islamic Knowledge, faculty of Theology and the Teaching of Ahl Al-Bayt (AS), University of Isfahan, Isfahan, Iran, <http://ltr.ui.ac.ir/~msaeedyan>, msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

Date received: 2022/04/11, Date of acceptance: 2022/12/8



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۲۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

success include the role of the Quraysh and other opponents of the Imam, the mismanagement of Qosam ibn Abbas, and the adaptability of the people.

Keywords: Yazid, Mu'awiyah, Mecca, Hajj, Ali (AS), Quraysh, Qotham, Khedri.

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت امام علی (ع) و پایداری معاویه در مکه

مریم سعیدیان جزئی*

چکیده

این پژوهش در راستای نقش نیروهای مذهبی و نجبگان قبیله ای در حوادث تاریخ اسلام در قرن نخست هجری به تحلیل شخصیت یزید بن شجره رهاوی و نقش وی در ناپایداری خلافت امام علی (ع) و تثبیت موقعیت امویان می‌پردازد. یزید دارای گرایشهای عثمانی بود. در دوران خلافت امام علی (ع) از کوفه به شام رفت و در نبرد صفین معاویه را همراهی کرد. از مراجع دینی و رجال سیاسی شام به شمار می‌رفت. فرماندهی شامیان را در غارت مکه و گرفتن بیعت برای معاویه برعهده داشت. روش پژوهش، مطالعه تاریخی و مبتنی بر جمع‌آوری داده و تحلیل و توصیف آنها است و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و منابع اسلامی به این سوالات پاسخ داده می‌شود که یزید چگونه در تضعیف موقعیت امام علی (ع) و تثبیت معاویه و امویان در مکه نقش داشت، عوامل موثر در این موفقیت چه بود؟ معاویه و امام علی (ع) چه نقش و جایگاهی داشتند؟ در این پژوهش روشن می‌گردد سوابق دینی، اجتماعی و سیاسی یزید و جهت‌گیری او در رویارویی با امام علی (ع) در مکه، سبب بکارگیری وی توسط معاویه شد. یزید نقش مهمی در تزلزل موقعیت امام علی (ع)، تقویت معاویه و تثبیت خلافت امویان ایفا کرد. راهبرد اصلی امام علی (ع) در این قضیه دفع توطئه معاویه و شامیان براساس سه مقوله

* دانشیار دانشگاه اصفهان، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، msaeedyan@ltr.ui.ac.ir، <http://ltr.ui.ac.ir/~msaeedyan>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مهم جهاد، ضرورت حفظ حرم الهی و اقامه حق بود. از دیگر عوامل موفقیت نسبی رهاوی عبارتند از: نقش قریش و دیگر مخالفان امام، سوء تدبیر قثم بن عباس و سازش پذیری مردم.

کلیدواژه‌ها: یزید، معاویه، مکه، حج، علی(ع)، قریش، قثم، خدری

۱. مقدمه

شخصیت‌ها یکی از عوامل مهم در دگرگونی‌های تاریخی به شمار می‌روند. این پژوهش در راستای تبیین جایگاه افراد و جریانها در دگرگونی‌های تاریخ اسلام به نقش و جایگاه یزید بن شجره رهاوی در تضعیف خلافت امام علی(ع) و تثبیت موقعیت معاویه در مکه می‌پردازد. این پژوهش همچنین برای تحلیل جایگاه افکار عمومی و مناسبات جریانهای فکری و فرهنگی دوران مورد بحث قابل استفاده خواهد بود.

یزید از نظر مقام علمی و دینی محل اعتبار و رجوع شامیان بود و به واسطه مهارت نظامی و برخوردار از روحیه واسطه‌گری قبیله‌ای مورد اقبال گروهی از صحابه و تابعان، معاویه و شامیان قرار گرفت. سوال این است که ماموریت یزید در مکه چه بود، چگونه انجام شد و چه پیامدهایی داشت؟ نقش معاویه و تدبیر امام علی(ع) در این زمینه چگونه ارزیابی می‌شود. درباره شخصیت و جایگاه یزید بن شجره رهاوی پژوهش مستقلی صورت نگرفته و پژوهش‌های انجام شده در راستای نقش معاویه در اواخر خلافت امام علی(ع) عمدتاً بر محور غارات و حملات نظامی تأکید کردند.

بیضون(۲۰۰۴)، درباره موقعیت یزید بن شجره در غزوات دریایی با رومیان و پایداری او در دفاع از منافع امویان سخن گفته است. احمد صبحی (۲۰۱۹) به تبیین سیاستهای ارضی و مرزی معاویه پرداخته است. وی با طرح مسئله جهاد قرشی براین باور است که معاویه از غارات برای تثبیت موقعیت خود بهره برد. پور آرین و روغنجیان (۱۳۹۴) بر این باورند که به خاطر مقاومت مردم غارت رهاوی دستاورد چندانی نداشت. عباسی (۱۳۹۶) بر این عقیده است که نرم‌خویی یزید بن شجره، درایت قثم و پادرمیانی بزرگان مکه سبب فرو نشست بحران معاویه شد. در این پژوهش‌ها ماموریت یزید و نقش او در ناپایداری حکومت امام علی(ع) و پایداری معاویه مورد بحث و ارزیابی قرار نگرفته است.

با توجه به وجود دو فرد با نام و نسب و حسب مشابه یزید بن شجره رهاوی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۲)؛ آنچه در این تحقیق مورد توجه است یزید بن شجره است که گاه او را در زمره

صحابه رسول الله (ص) نقل کردند. او در سال ۵۸ هـ در نبردهای دریایی با رومیان کشته شد. یزید بن شجره دوم نیز از رجال شام است که همزمان با خلافت هشام بن عبدالملک به خراسان رفت و در تثبیت موقعیت امویان نقش مهمی ایفا کرد (طبری، ۱۴۲۹: ۹۳/۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۲: ۱۲۸/۶-۱۲۹). با توجه به نقل مستقل این دو در منابع رجالی و تاریخی و تفاوت زمان و موقعیت تاریخی مربوط به این دو نفر احتمال این که تصحیفی رخ داده ضعیف است.

۲. خاستگاه و موقعیت یزید بن شجره رهاوی

ابوشجره یزید بن شجره (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۵/۶۵) رهاوی (رهاوی)^۱ منسوب به قبیله بنی رهاء و منتسب به قبیله بزرگ مذحج است که از قبایل قحطانی و یمنی به شمار می‌رود (سمعانی، ۱۳۸۲: ۲۰۳/۶-۲۰۲). نسب یزید به شرح زیر عبارت است از: رهاء بن (منبه بن یزید)^۲ حرب بن عله بن عمرو بن جلد بن مالک (مذحج) بن ادد (ابوعبید، ۱۴۱۰: ۳۱۹). بنو منبه، والحارث، والغلی، وسیحان و شمران، وهفان از شاخه‌ها (بطن‌ها) ی معروف رهاء هستند و به آنها جنب هم گفته می‌شود (ابن درید، ۱۴۱۱: ۴۰۵/۱). یزید بن شجره منسوب به بنو سهم بن سعد بن (ابن کلیبی، ۱۴۰۸: ۲۹۹/۱) عبدالله بن رها است (ابن حزم، بی‌تا: ۴۱۳/۱).

این قبیله در سال ۱۰ هجری اسلام آورد (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۳۴۵-۳۴۴). آن طور که منابع می‌نویسند اعزام معاذ بن جبل به یمن سبب آشنایی مردم این قبیله با اسلام و تشرف آنها به مدینه شد (ابن زنجویه، ۱۴۱۷: ۲۰۴؛ طبری، ۱۴۲۹: ۱۲۲/۳-۱۲۳). این که یزید در این هیأت بوده یا خیر، منابع سکوت کردند؛ اما با توجه به آن که برخی گزارشهای تاریخی صحابی بودن یزید را مطرح می‌کنند (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۲۷)، یک احتمال وجود دارد که در بین آنها بوده است. ابن ماکولا به نقل از قاسم بن سلام و المبرد می‌نویسد یزید در این زمان جوان بوده است (ابن ماکولا، بی تا: ۲۵۰-۲۵۱). دو خبر فوق با گزارش ابن سعد که می‌نویسد برخی از افراد این قبیله در مدینه ماندند، نزدیک تراست (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۳۴۴-۳۴۵). نیز با گزارش واحدی درباره سبب نزول آیه ۱۳ حجرات مطابقت دارد (واحدی، ۱۴۱۱: ۴۱۱-۴۱۲). قرینه یا شاهد دیگری درباره مشارکت یزید در حوادث مربوط به دوران حیات رسول الله (ص) نیست. درباره صحابی یا تابعی بودن یزید بین سیره نویسان، رجالیون و محدثان اختلاف است. بغوی نام وی را در کتابش أسماء الصحابة آورده؛ و ابوزرعه و ابن سمیع او را در گروه چهارم از صحابه شام قرار داده اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۵/۶۵). برخی همانند بخاری و حاکم نیشابوری

او را در زمره صحابه آورده (بخاری، بی تا: ۳۱۶/۸؛ حاکم نیشابوری، ۶۱۳۳؛ فیروزآبادی، بی تا: ۳۳۸/۴) و برخی در این باره تردید کردند (رازی، ۱: ۱۲۷۱؛ ۲۷۰/۹). ابن حبان، ابوزرعه (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۴۴۵/۳) و ابن حجر از این نمونه‌اند (ابن حجر، ۱: ۱۴۱۵؛ ۵۲۰/۶). با همه این اقوال دلیل قطعی برای اثبات صحابی بودن یزید به دست نیامد و از این رو چنانکه برخی به درستی بیان کردند باید وی را در زمره تابعین به شمار آورد (ابن منده، ۱: ۱۴۱۱؛ ۴۲۵؛ زبیدی، ۱: ۱۴۱۴؛ ۱۴۶/۱۲).

در بین منابع تنها ابن سعد است که جایگاه علمی و دینی یزید بن شجره را مورد توجه قرار داده است (ابن سعد، ۱: ۱۴۱۸؛ ۳۱۰/۷). ابوابراهیم ثقفی به رغم عدم ادله کافی بر صحابی بودن یزید او را در زمره مراجع دینی شام می آورد (ثقفی، ۱: ۱۳۹۵؛ ۵۱۲/۲-۵۰۴). ابن اعثم با عبارت "من سادات أهل الشام" از او یاد می کند (ابن اعثم، ۱: ۱۴۱۱؛ ۲۲۰/۴). ابن منظور با نقل برخی فتاوی منسوب به یزید، از او به عنوان اعتبار و سند شامیان نام می برد (ابن منظور، ۱: ۱۴۰۲؛ ۲۶۲/۲۰). ابن کلبی یزید را "شریف" می داند (ابن کلبی، ۱: ۱۴۰۸؛ ۲۹۹/۱) و بلاذری با تعبیر "متألها متوقیا" از او یاد می کند (بلاذری، ۱: ۱۴۱۷؛ ۴۶۱/۲). مجاهد بن جبر که از روات رهاوی به شمار می رود درباره یزید این چنین می گوید: "یزید به ما تذکر می داد و گریه می کرد و کارهایی که دلیل بر راستی گریه اش بود، انجام می داد" (ذهبی، بی تا: ۱۶۹/۴).

طبری ۳ روایت را از اسناد خود از طریق مجاهد و او با دو واسطه ی منصور و شعبه از یزید روایت می کند که موضوع آن شامل علم الهی، دعای ستر و نور و تأویل آیه ۹ سوره تحریم است (طبری، ۱: ۱۴۱۲؛ ۴۹۶/۲۳). از دیگر راویان یزید ابوالزاهریه از مشایخ زهری است (ذهبی، بی تا: ۱۶۹/۴؛ ابن عساکر، ۱: ۱۴۱۵؛ ۲۰۷/۶۵ و ۲۲۰).

درباره جایگاه حدیثی یزید اختلاف است. یزید از رجال بخاری است (ابن حبان، ۳: ۴۴۸/۱۳۹۳؛ ۳) و ابن حبان او را از ثقات به شمار می آورد (بخاری، بی تا: ۳۱۶/۶). ذهبی اگر چه یزید بن شجره را در زمره اهل حدیث معرفی کرده؛ اما از او تنها یک حدیث از رسول الله ص نقل می کند (ذهبی، بی تا: ۱۶۹/۴) که در زمان اعزام از شام به حجاز در سال ۳۹ هـ برای تحریض شامیان به نبرد با علی (ع) قرائت کرد و از طریق مجاهد و یزید بن ابی زیاد روایت شده است (ابونعیم، ۱: ۱۴۱۹؛ ۲۷۹۴/۵). زمخشری در تفسیر آیه ۲۵ یونس از یزید نقل کرده و رأی او متمایز می کند (زمخشری، ۱: ۱۴۰۷؛ ۳۴۳/۲). ابن عبدالبر، حدیث فضیلت جهاد که از طرق مختلف یزید نقل شده مرفوع و فاقد سند می داند (ابن عبدالبر، ۱: ۱۴۱۱؛ ۲۶۸/۱). سایر رجالیون نیز یزید را ضعیف و احادیث منقول از او را موقوف، غریب و دارای اسناد ضعیف و

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۲۹

مضطرب دانستند. ابن سمیع او را در طبقه چهارم از صحابه در اردن قرار داده است (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۳). شوشتری با عباراتی نظیر "مجهول الصحابه" و "معلوم الفسق" یزید را رد می‌کند (شوشتری، ۱۴۲۲: ۱۰۶). نمازی، یزید را از مجاهیل صحابه و سئی عقیده و خبیث می‌داند (نمازی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۸).

درباره موقعیت یزید در دوران خلفا خبری نیست. جاحظ می‌نویسد او در ابتدا در عراق سکونت داشت (جاحظ، ۱۳۷۵: ۱۱۵-۱۱۳). ابن عساکر نیز از سکونت یزید در کوفه یاد می‌کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۴/۶). یزید پس از قتل عثمان و برای خونخواهی او به شام رفت و تا آخر عمرش همان جا بود (جاحظ، ۱۳۷۵: ۱۱۵-۱۱۳). از تعبیر ذهبی "ونزل الشّام" دریافت می‌گردد که وی در ابتدا در شام نبوده است (ذهبی، بی تا: ۱۶۹/۴). ابونعیم اصفهانی نیز بر این قضیه تصریح کرده است (ابونعیم، ۱۴۱۹: ۲۷۹۴/۵). براساس خبر ابن عساکر، یزید پس از مهاجرت به شام در اردن سکنی گزید (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۲۵/۶). با توجه به آنکه ابن سمیع او را در طبقه چهارم از صحابه در اردن قرار داده (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۳)؛ باید گفت منزل یزید، اردن بوده است. بدین ترتیب برخی نظرات درباره اشتراک رها(قبیله) و رها(ادسا) و خاصه نظر ابن عساکر که خاستگاه یزید را رها (شام) می‌داند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۳۰/۶۵) نادرست است.

یکی از دلایل مهاجرت یزید به شام تمایلات عثمانی وی و همسویی او و معاویه درخصوص خونخواهی عثمان بوده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). شواهد متعددی وجود دارد که گرایش‌های عثمانی یزید را مورد تأیید قرار می‌دهد. به عنوان مثال وقتی معاویه او را به حجاز فرستاد تا انتقام خون قاتلان عثمان را بگیرد از تعبیر "شفاء لنا و لک و قربه إلى الله و زلفی" استفاده کرد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۵/۲). علاوه بر این یزید در خطبه ای که در شام خواند؛ چنین گفت: "خدایا! تومی‌دانی که من بزرگترین مجاهد برای خلیفه تو عثمان بن عفان و از کسانی نیستم که حرمت او را زیر پا گذاشتند" (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۱/۴).

از مهم‌ترین صحنه‌های همراهی یزید با معاویه مربوط به نبرد صفین است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). جاحظ نیز ضمن نقل گزارشی درباره گفتگوی معاویه و یزید؛ می‌نویسد معاویه یزید را بیش از دیگران مورد توجه قرار داد و صله‌های بسیاری به او عطا کرد (جاحظ، ۱۳۷۵: ۵۵/۱). معاویه، یزید را در سال ۳۹ به عنوان امیر الحجاج شامیان و نماینده خویش به مکه فرستاد. این ماموریت که با عنوان غارت مکه شناخته می‌شود (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۶/۵)؛ از مهم‌ترین حوادث اواخر خلافت امام علی(ع) به شمار می‌رود که در ادامه به تفصیل درباره ابعاد و مسائل آن صحبت خواهد شد.

یزید علاوه بر هواداری از عثمان، سهم به سزایی در تثبیت موقعیت امویان داشت (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۸). او در شام مقامی همسان با سعید بن عاص، شرحبیل بن سمط کندی و مسلم بن عقبه یافت (ابن عبدربه، ۱۴۰۴: ۱/۲۵۰) و طرف مشورت معاویه بود (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۵۱۲-۵۰۴؛ جاحظ، ۱۳۷۵: ۱۱۵-۱۱۳).

یزید از قدرت نظامی و فرماندهی قابل توجهی برخوردار بود و در جایگاه ریاست قبیله ای همراه با خویشاوندانش در جنگها شرکت می کرد (صحاری، بیتا: ۱/۱۴۱) و فرماندهی شامیان در سال‌های ۴۹ (طبری، ۱۴۲۹: ۵/۲۳۲)، ۵۰ و ۵۱ (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۵/۲۲۹) و ۵۶ به او واگذار شد (طبری، ۱۴۲۹: ۵/۲۰۱).

معاویه از روشهای مختلف برای رسیدن به اهداف خود بهره می برد (مبلغ، ۱۳۹۶: ۷۹). او از یک سو از موقعیت مذهبی و سابقه سیاسی یزید در جهت اهداف سیاسی خود بهره برد و از سوی دیگر به واسطه عصبيت قومی و تفاخر قبیله ای که پایه حکمرانی امویان به شمار می رفت؛ جایگاه یزید را در تب و تاب معادلات سیاسی و فرهنگ جاهلی کنترل نمود (جاحظ، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۱). به تعبیر مادلونگ "روند کلی تبلیغات اموی مبنی بر آن که بنی هاشم کلا در خون عثمان شریک بودند اکنون به ثمر رسیده بود و یزید بن شجره را نیز فریفته بود" (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۴۰۰).

درباره پایان حیات یزید بن شجره، ابن سعد می نویسد در سال ۵۵ و به قوی ۵۸ هجری در نبرد با رومیان کشته شد (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۷/۳۱۰). با توجه به وجود گزارشهای موجود درباره حضور یزید در جنگهای بعد از سال ۵۵؛ خبر خلیفه بن خیاط و ابن قتیبه درباره سال مرگ یزید یعنی ۵۸ هجری صحیح تر به نظر می رسد (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۴۴۸؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۷۸). اهمیت این جنگ ها و جایگاه یزید به گونه ای است که برخی با تعبیر "شهید" از او یاد کردند (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴/۷۱۹).

۳. چپستی اعزاز یزید به مکه و پیامدهای آن

طرح غارات در ادامه سیاست معاویه در صفین بود و خونخواهی عثمان در کانون این سیاست قرار داشت. از اهداف اصلی غارات نبرد با دو دسته بود: نخست آنها که با علی (ع) بیعت کرده و از او فرمان می بردند. دوم: برخورد با کسانی که در قتل عثمان مشارکت داشتند (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱/۱۳۸). درباره رابطه این قضیه با حوادث عراق ابن سعد؛ به نکته ظریفی اشاره می کند؛ که محل تامل است. مطابق این خبر در جریان حکمیت؛ شامیان بر خلافت معاویه اتفاق نمودند

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۳۱

و در سال ۳۸ با او بیعت کردند (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱/۱۳۶). بدین ترتیب معاویه با ادعای بیعت شامیان، سیاست برون شامی خود را در دو جبهه درونی و مرزها به اجرا در آورد. با کمی دقت معلوم می‌گردد چرا تصرف مکه و همراهی قریش برای معاویه مهم بود و در طی یک سال (۳۹-۴۰هـ) سه حمله متوالی را طراحی و مقصود خود را به انجام رساند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴/۶۵).

معاویه در سال ۳۹ هجری یزید بن شجره رهاوی را در راس لشکری سه هزار نفری از شامیان جهت انجام امور حج و گرفتن بیعت از مردم رهسپار مکه نمود (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴/۶۵). پیش از این ضحاک بن قیس فہری برای تصرف مکه و ایجاد آشوب به حجاز رفته بود؛ اما شکست خورد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۱/۳۳۰).

برخی ماموریت یزید را در راستای انجام امور حج و سرپرستی شامیان می‌دانند. ابن‌تغری می‌نویسد یزید ماموریت داشت با قثم بن عباس (م ۵۷)، وارد مذاکره شود (ابن‌تغری، بی تا: ۱/۱۱۸). اما اصل قضیه چیز دیگری است و چنانچه از گفتگوی اولیه یزید و معاویه به دست می‌آید؛ او وظیفه داشت خون خواهان عثمان را شناسایی و مردم را برای بیعت با معاویه بسیج کند. از طرفی هیچ مدارا و همراهی با کارگزاران علی (ع) در مکه نداشته باشد (طبری، ۱۴۲۹: ۵/۱۳۶). ابن‌اعثم ضمن تاکید بر اهمیت این دیدار؛ پرده از گفتگوی مفصل معاویه و یزید بر می‌دارد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴/۶۵). مطابق با این امر معاویه در ارتباط با اعزام یزید به حجاز اهداف متعددی را دنبال می‌کرد که عبارتند از:

- دلجویی از قریش و اطمینان بخشی به آنها: یکی از دلایل اعزام یزید به مکه دلجویی از قریش و همراه کردن آنها بود. معاویه در گفتگو با یزید قریش را اهل الله و اهل خود دانست و یزید را از هر گونه اقدامی که سبب جدایی قریش از معاویه و هتک حرمت آنها شود؛ بازداشت (ثقفی، ۱۳۹۵: ۲/۵۰۵).

- خونخواهی عثمان: دومین و مهمترین مسئله مربوط به قضیه عثمان و القای مشارکت یا کوتاهی امام علی (ع) در جریان قتل عثمان است (حاجی زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۶). معاویه در گفتگو با یزید ضمن طرح شبهه مشارکت قثم بن عباس در قتل عثمان، خود را خونخواه عثمان خواند و آن را وظیفه شرعی، سبب رضایت خداوند و شفای قلب مسلمانان دانست. او درباره چگونگی انجام این امر با یزید مشورت کرد و در نهایت مقرر گردید حرکت به مکه در پوشش کاروان حج باشد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۴/۲۲۱-۲۲۳).

- فراخوان بیعت با معاویه: به نوشته ابن ابی الحدید معاویه مخفیانه کسی را به مکه فرستاد تا مردم را به اطاعت از او دعوت و اعراب را از حمایت از علی (ع) منصرف سازد و آنها را قانع کند که امام، قاتل عثمان و سبب خواری او است و خلافت با چینی فردی اصلاح نمی شود. او مأموریت داشت تا اخبار معاویه را نشر دهد و کارگزاران امام علی (ع) را تغییر بدهد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۱۶). بدین ترتیب مأموریت یزید در مکه ایجاد زمینه نارضایتی نسبت به امام علی (ع) و تثبیت جایگاه معاویه بود.

براساس توافق انجام گرفته در شام، مقرر گردید یزید بدون ایجاد حساسیت وارد مکه شود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). با استناد به گزارش ابن اعثم روشن می گردد که علت چرخش معاویه و همراهی او با یزید، دلجویی از قریش و مکیان بوده است (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۱/۴-۲۲۳). از طرفی با توجه به شروط یزید برای پذیرش این مسئولیت یعنی بهره مندی از عطا و مقام (جاحظ، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۱) و تعصبات عثمانی وی که منابع به آن تصریح می کنند (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۵/۲)؛ معاویه به این اطمینان دست یافت که یزید در راستای اهداف او عمل خواهد کرد و از این جهت ابتکار عمل و فرماندهی این مأموریت را به او سپرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۱۶).

معاویه همچنین ۳۰۰۰ نفر از جنگاوران شامی را همراه یزید راهی حجاز کرد. به نوشته طبری شامیان با سرعت و بدون توقف راهی مکه شدند و مقصد حرکت تا خروج یزید از شام مخفی ماند (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۵/۵-۱۳۶). یزید در پاسخ به این پرسش که چرا اینگونه باشتاب می رود تنها به آیه "خلق الانسان من عجل" (انبیاء: ۳۷) اکتفا کرد و چیزی بر آن نیفزود. کاروان نظامی شام از مسیر وادی القری عبور کرد و سرانجام یک روز قبل از ترویبه به جُحفه رسیدند (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۵/۲).

چنان که معاویه فرمان داده بود؛ یزید در ذی حجه وارد مکه شد و از این فرصت به عنوان پوشش برای حفظ امنیت، تعامل با دیگران و انجام مقصود خود بهره برد. منادیان ندا سر دادند که همه در امانند و هرکس متعرض شود؛ خون او مباح است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). این دو بیانگر آن است که یزید و شامیان الزاما برای انجام مناسک حج نیامدند و گرنه دلیلی بر امان و هشدار نبود. از طرفی هیبت و هیمنه شامیان سبب هراس مکیان شده بود.

برای درک میزان قدرت و هیبت شامیان بیان چند نکته ضروری است. همراهان یزید ۳۰۰۰ نفر از جنگاوران شامی بودند که در کمترین زمان ممکن خود را به مکه رسانده بودند

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۳۳

(تقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۳/۲-۵۰۵). از طرفی یزید از آغاز عزیمت همواره سپاهیان را به جهاد فرامی خواند (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۳۰/۲). به علاوه نخستین رویارویی یزید با ابوسعید خدری بیانگر آن است که او به شیوه چریکی و آماده باش در مکه عمل می نمود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۳۵/۵).

با این حال حقیقت این مسئله مهم از منظر برخی مورخان مغفول مانده است. ذهبی در جهت همراهی با یزید می نویسد قثم برای جنگ پیشدستی کرد و مانع شد تا شامیان شعایر حج را به جا آورند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۳۷/۲). عجب است ابن ابی الحدید که خود به افشای طرح معاویه در مکه می پردازد؛ رفتار یزید را از سیاستهای معاویه منفک و متفاوت می داند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳۶/۱۶).

بدین ترتیب آیا می توان پذیرفت یزید از آنچه در مسیر شام تا جحفه در تحریض شامیان و ضرورت جهاد می گفت عدول کرده است؟ آیا قابل پذیرش است که این ها کاروانی از شامیان هستند که صرفاً برای انجام مناسک حج به مکه آمده اند؟ روشن است سخن گفتن از امنیت، صلح و مذاکره برای فریب افکار عمومی و تحقق اهداف این ماموریت بوده است. از طرفی ابعاد حضور یزید در مکه و رفت و آمدهایی که با قریش و خوارج داشت نشان می دهد؛ او به منظور هدف دیگری به مکه آمده است.

یزید در جمع مکیان و حجاج علت حضور خود را اینگونه بیان کرد:

ای اهل حرم من آمده ام تا بر شما در امر نماز امامت کنم. همراهتان باشم و امر به معروف و نهی از منکر کنم. حاکم این شهر از آمدن ما و به جا آوردن نماز همراهمان اکراه دارد و ما نیز چنین هستیم. اگر شما بخواهید ما کناره گیری می کنیم و او را هم از برگزاری نماز عزل می کنیم و مردم مکه را آزاد می گذاریم تا با هر که دوست دارند نماز بخوانند... بخدا قسم اگر بخواهم با مردم نماز می گزارم و او و همراهانش را اسیر و به شام می برم اما دوست ندارم که حرمت این شهر را بشکنم. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲).

چنان که روشن است یزید به دنبال ایجاد زمینه تقابل و جدایی بین مردم و حاکم امام علی (ع) در مکه بوده است. با این حال او به همین بسنده نکرد و از روشهای دیگر هم بهره برد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

معاویه مکه را حرم خدا می دانست و به یزید سفارش کرد از درگیری و خونریزی پرهیز کند (تقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۵/۲). راهبرد رهاوی برای حفظ حرمت خانه خدا ایراد سخنرانی های با مایه های دینی؛ ندای صلح طلبی، ملاقات با بزرگان، حضور در بین مردم و در نهایت توجه به امور عبادی بود (امام علی (ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳). شاید به این منظور که همگان

را با خود همراه نماید^۳. در عین حال با توجه به صبغه شامیان و رویکرد شبه نظامی یزید؛ می‌توان گفت مواجهه مکیان با شامیان ترکیبی از ترس و تسلیم و رواداری ناشی از ضعف و رخوت و سطحی‌نگری بوده است.

نخستین فردی که یزید با او گفتگو کرد؛ ابوسعید خدری از اصحاب مدنی است که برای انجام فریضه حج به مکه آمده بود. دلیل اصرار رهاوی برای ملاقات با ابوسعید آن بود تا پیام او را به قثم بن عباس برساند. یعنی اینکه قثم و یزید هر دو از امارت حج کناره‌گیری کنند و آن را به مکیان واگذارند. با توجه به اثر بخشی این مذاکره و واگذاری آن به شیبه بن عثمان عبدری^۴؛ معلوم می‌گردد ابوسعید خدری از موقعیت ممتازی برخوردار بود و چنانکه از گزارش تقفی دریافت می‌گردد نقش سفارت و میانجی‌گری را بین سه گروه شامیان، قثم و مکیان ایفا کرد (تقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۳/۲-۵۰۵). منابع اسلامی بر این نکته تصریح می‌کنند که کناره‌گیری قثم و انتخاب شیبه هر دو با پادرمیانی و رفت و آمد بزرگان مکه صورت گرفت (ذهبی، بی تا: ۶۰۵/۳؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۷۱۹/۴).

بدین ترتیب طرح توازن منفی که این بار در قالب امامت دینی مطرح شد؛ اقتدار و مشروعیت علی(ع) بر امور جهاد و حج را نقض نمود و با ادعای حق مردم (قریش) در امر سیاسی، بیعت صحابه با آن حضرت را انکار کرد. می‌توان گفت الگوی حکمیت عمرو بن عاص که پیش از و در نبرد صفین به عنوان یک سیاست و برای ایجاد اختلاف و ممانعت از توفیق علی(ع) در صحنه نظامی به کار گرفته شده بود بار دیگر و در مکه به عنوان یک راهبرد سیاسی - مذهبی و برای القای ناکارآمدی علی(ع) به کار گرفته شد و به نتایجی همانند دومه الجندل دست یافت. علی(ع) چنانکه در ادامه خواهد آمد؛ قثم را از کوتاهی در برابر فرستادگان معاویه و شامیان برحذر داشت؛ اما او ناباورانه با یزید وارد مذاکره شد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴۲۰/۳).

یکی دیگر از ابعاد ماموریت یزید، گرفتن بیعت از مردم برای معاویه بود. بدیهی است انجام این امر منوط به در نظر گرفتن شرایط مکه و به چالش کشیدن مشروعیت علی(ع) به عنوان خلیفه مسلمانان بود. این مهم از ذهن سیاس و تیزبین یزید دور نماند. به ویژه آنکه او اساساً به دنبال آن بود تا از هر گونه خونریزی و غارت در مکه اجتناب شود و پیش از این هم با معاویه شرط کرده بود تا در برخورد با مکیان از آزادی عمل برخوردار باشد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۱/۲). استفاده از شیوه گفتگو و مذاکره نه تنها مورد اقبال بزرگان قرار گرفت که زمینه تحقق زود هنگام اهداف یزید نیز فراهم شد. ابوسعید خدری یزید را لطف الهی به قثم و

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۳۵

مکیان دانست و گفتار و اندیشه یزید را به خاطر رغبت نسبت به مردم به صواب نزدیکتر و بهتر از قثم می‌دید (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۸/۲-۵۰۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲).

موقعیت مکه و حج بهترین فرصت برای جذب مخالفان علی(ع) و کسب مشروعیت برای معاویه بود. یزید با شعار صلح طلبی، ضرورت اجرای احکام شرع و الزام خصم، تحقق این دو را در گرو بیعت با معاویه و به رسمیت شناختن او در جایگاه خلافت می‌دانست. او همواره سه مسئله را مورد تأکید قرار می‌داد: نخست: پرهیز از درگیری و خونریزی. دو: اجرای احکام شرع. سه: بیعت با معاویه. با بررسی گزارشهای موجود پیرامون روحیات اجتماعی مردم مکه دریافت می‌گردد که آنان از هر گونه درگیری پرهیز داشته و از مهارت جنگاوری و پشتیبانی بی بهره بودند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۳/۴-۲۲۰؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲ - ۵۰۴). اگر این مسئله را اضافه کنیم که با سیاست یزید صحابه و بزرگان مکه به نفع معاویه وارد شدند (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۸/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲)؛ می‌توان علت موفقیت نسبی یزید بن شجره را بیشتر مورد توجه قرار داد. به همین جهات بود که یزید مورد عنایت و تفقد ویژه معاویه قرار گرفت (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۳/۴-۲۲۰؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲ - ۵۰۴).

مسئله دیگر که اهمیت ماموریت یزید را در مکه دو چندان می‌نماید؛ شناسایی مخالفان علی(ع) و تعامل با آنها بود. معاویه نسبت به این قضیه توجه داشت و یزید را به رعایت حریم قریش و جانب‌داری آنها اطمینان داد. از این رو طرح تقابل بنی هاشم و بنی امیه دوباره احیاء شد و رویارویی با امام علی(ع) و کارگزاران او در مکه از دو جهت قبیله‌ای و عقیدتی حتمی می‌نمود (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۴۵-۴۶ و ۲۵۲).

علاوه بر این خطر خوارج بود. ابن‌قتیبه از مدائنی نقل می‌کند که خوارج در این زمان در مکه حضور داشتند و علیه امام علی(ع) توطئه می‌کردند (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰: ۱۷۹/۱). یزید از این فرصت بهره برد و با آنها ملاقات کرد. المبرد به صراحت از توافق بین دوطرف و به‌طور مشخص رضایت خوارج برای ریاست شیبه عبدری خبر می‌دهد. پیامد دیگر این قضیه قاطعیت خوارج برای ترور امام علی(ع) است (مبرد، ۱۴۱۷: ۹۲۵/۳-۹۲۶). معاویه در تحریک خوارج و پیوند دادن آنها با دیگر مخالفان علی(ع)، مانند قریش نقش مستقیم داشته است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۸۹/۲-۴۹۰). او از خوارج به عنوان یک اهرم فشار برای تحریک عواطف عمومی و ایجاد نارضایتی علیه حکومت امام علی(ع) بهره برد.

براین اساس ماموریت یزید در مکه در دو مرحله انجام گرفت: ۱- اجرای طرح براندازی حکومت علی(ع). ۲- بهره‌مندی از موقعیت مکه و قریش برای انتقال قدرت به معاویه و

شام بود. گزارش ابن‌سعد درباره تحولات آینده بیانگر آن است که معاویه در سال ۴۰ مغیره بن شعبه را به عنوان امیر الحاج تعیین و همگان بر او اتفاق کردند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۱).

۴. سیاست امام علی (ع) برای مقابله با یزید

سال ۳۹ هجری از سخت‌ترین سالهای حکومت امام علی (ع) به‌شمار می‌رود. معاویه طرح چندجانبه غارات را در جهت تداوم نبرد صفین به کار گرفت. خوارج حروریه در عراق جولان می‌دادند و خستگی‌های ناشی از جنگ‌های متوالی و فتنه‌انگیزی جاسوسان معاویه، مردم (کوفیان) را به اعتراض و انزوا سوق داده بود. در این میان امام علی (ع) اقداماتی را برای مقابله با توطئه‌های معاویه و ختنی سازی غارات او در پیش گرفتند. از آنجا که محور این بحث درباره ماموریت یزیدبن شجره رهاوی در مکه است؛ برخی از تدابیر و اقداماتی که در این راستا انجام گرفت؛ عبارتند از:

- فعال نمودن گروه‌های استخباری و اطلاعاتی: همزمان با اقدامات معاویه برای ایجاد ناامنی و حمله به شهرهای مختلف، نیروهای استخباری علی (ع) خبر دادند که معاویه به دنبال آشوب و فتنه در مکه است و یزید برای این منظور راهی شده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۳/۲). علی (ع) در جمع کوفیان و نامه‌ای که برای قثم فرستاد؛ به تشریح ابعاد این توطئه پرداختند که در ادامه بیشتر بحث می‌شود.

- هوشیاری دادن نسبت به توطئه معاویه و تدبیر امور: امام علی (ع) قثم را نسبت به فتنه معاویه آگاه کرد. در بخشی از نامه ایشان به قثم بن عباس آمده است: "اما بعد، جاسوس من در نواحی غربی به من نوشته و خبر داده که جماعتی از مردم را در موسم حج به مکه فرستاده‌اند" (ثقفی، ۲: ۱۳۹۵/۵۰۸-۵۱۱؛ امام علی (ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳).

به او فرمان داد تا با مردم تجدید عهد نموده و از آنها بیعت بگیرد. صبر و پایداری پیشه کند. ترس و دودلی و سستی و ناتوانی به خود راه ندهد و همگان را برای مقابله با متجاوزان بسیج نماید (امام علی (ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳).

اقدام دیگر امام؛ تدبیر امور مکه و ابلاغ ماموریت امیر الحاج بود. منابع اسلامی درباره کارگزار امام دچار اختلاف است. عموم گزارشها بر امارت و امامت قثم بن عباس (هر دو) اجماع دارند که صحیح به نظر می‌رسد؛ اما اخبار دیگر هم روایت شده که بعضا دارای تعارض سندی و محتوایی است و در سه دسته زیر قرار می‌گیرد:

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۳۷

- ابن عباس: ابن شبه و واقدی با عبارت ابن عباس از وی نام می‌برند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶۰/۵).

- عبیدالله بن عباس: واقدی در روایت دیگری نام این فرد را عبیدالله بن عباس می‌آورد (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۶/۵) و ابن سعد هم این خبر را می‌پذیرد (ابن سعد، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۱). ابن اثیر با طرح امیر الحاج بودن عبیدالله بن عباس در سالهای متوالی بین ۳۶-۳۸ از حضور او در ایام حج سال ۳۹ سخن به میان آورده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۵۱۹/۳).

- قثم بن عباس: مدائنی کارگزار امام را در امور حج قثم می‌داند (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۶/۵). این خبر با دیدگاه خلیفه بن خیاط (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۴۹) و طبری قرابت دارد (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۶/۵).

در بین این ها، اخبار دسته اول و دوم که دارای قرابت ظاهری، سندی، زمانی و محتوایی بوده؛ مورد پذیرش و با اخبار مشهور مطابقت دارد. اما اخباری که به عبیدالله بن عباس تصریح کردند به دلایل زیر قابل پذیرش نیست. ۱- روایت واقدی از طریق یزید بن اُبی زیاد و برای تقویت جایگاه بنی عباس آمده و قابل اعتنا نیست (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴۲۰/۳). ۲- اختلاف نظر در بین اهل سیر و تاریخ (ابن عبدالبر، ۱۴۱۱: ۱۰۰۹/۳) ۳- با توجه به غارت بسر بن ابی ارطاه به یمن نمی‌توان پذیرفت که عبیدالله همزمان در مکه و یمن بوده باشد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴۲۰/۳). به علاوه گزارش محب طبری که از مسئولیت همزمان عبیدالله بن عباس در یمن و فرماندهی حجاج و اعزام یزید بن شجره در سال ۳۸ خبر می‌دهد؛ به دلیل تاریخ گذاری و دلایل پیش گفته قابل پذیرش نیست (طبری، ۱۴۲۸: ۵۱۷/۲). نتیجه آنکه امیرالحجاج مسلمانان در سال ۳۹ هجری قثم بن عباس بود (طبری، ۱۴۲۹: ۱۳۲/۵).

می‌توان گفت یکی از تدابیر مهم علی(ع) تثبیت موقعیت قثم و ایجاد امکان آزادی عمل و اختیار همه جانبه برای انجام مسئولیت بوده است. در بخشی از نامه آن حضرت به قثم درباره اختیارات و وظایف امیرالحجاج چنین آمده است:

اما بعد، مراسم حج را برای مردم بر پا دار... آن را که فتوا خواهد فتوا ده و نادان را بیاموز و با دانا به گفتگو پرداز. و جز زبانت پیام رسان مردمان نباشد، و جز رویت دربان. و هیچ حاجت مند را از دیدار خود محروم مگردان، چه اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود و در پایان حاجت او برآورده، تو را نستانند (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۶۷).

اگر چه به نظر می‌رسد سابقه و درایت قثم سبب اعتماد علی(ع) به او شد؛ اما مواجهه قثم با شامیان و اداره امور مکه نشان می‌دهد که او در این زمینه دچار سستی و سوءتدبیر شده است. با توجه به اهمیت مواضع قثم در این قضیه و پیامدهای آن؛ این موضوع به صورت مستقل و در ادامه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

- ترسیم پیامدهای ناشی از غلبه شامیان: علی(ع) برتری‌های اخیر شامیان را نتیجه تلاش و اتحاد و فرمانبری آنها از رهبر خود دانست و به کوتاهی، ناتوانی و اختلاف‌انگیزی کوفیان به عنوان دلایل اصلی شکست آنها برابر شامیان اشاره کرد. آن حضرت درباره پیامدهای ناگوار ناشی از پیروزی‌های شامیان فرمود: "به خدا سوگند اگر بر شما پیروز شوند می‌بینید که پس از من شما را سرورانی نابکار خواهند بود؛ می‌بینم که در بلاد شما شریک شده‌اند، و منافع بلاد شما را تاراج می‌کنند." (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳)

آن حضرت در نامه‌ای که برای قثم بن عباس نوشت؛ شامیان را این گونه توصیف کرد:

اینان مردمی هستند کوردل که نه گوش شنوایشان هست و نه چشم بینا. حق به باطل می‌آمیزند و آفریننده را معصیت می‌کنند تا مخلوق را فرمان برند و دین را می‌دهند تا دنیا را طلب کنند آن وقت آرزو دارند که خدایشان در جوار نیکان در آورد. (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳)

- ضرورت حفظ حریم الهی و اقامه حق: علی(ع) اقامه حق و دفاع از حرم الهی را دو وظیفه مهم مسلمانان دانست و تصریح نمود دلیل ناتوانی اهل کوفه و کوتاهی آنها در انجام این مهم، حیرت، دنیازدگی و ساده‌انگاری کوفیان است. (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳).

- ضرورت جهاد: در اندیشه الهی-سیاسی امام علی(ع) مقابله با شامیان از مصادیق جهاد بوده است. آن حضرت ضمن اتصال این هدف با اندیشه توحیدی(امین ناجی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۰)؛ پیامد گریز از این فریضه مقدس و کوتاهی نسبت به شامیان را "محرومیت، استبداد و شمشیر" دانست و آینده‌ای پر از ندامت را برای کوفیان به تصویر کشید (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳).

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۳۹

- خطر گروههای دینی واگرا: امام علی(ع) به صراحت بر نقش قراء و گروههای مذهبی واگرا در تهدید امنیت داخلی، تخریب اعتماد عمومی و ایجاد زمینه ای برای پیروزی معاویه تاکید نمودند. فرمود: "به عیان می بینم که قراء شما را می کشند و از حقتان محروم می دارند و به دادخواهیتان گوش فرا نمی دهند. و هر مقام و منزلتی که هست از شما دریغش می دارند و اهل شام را مقرب می دارند." (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۹/۲-۵۱۱)

- پشتیبانی، تجهیز و اعزام نیرو: از مهمترین اقدامات امام در این قضیه، تجهیز نیرو و اعزام آنها به حجاز بود. اقدام امام از دو جهت حائز اهمیت است. نخست: آن حضرت بر حفظ تمامیت ارضی قلمرو اسلامی و مقابله با مصادیق فساد تاکید داشتند و اقتدار سیاسی و برتری نظامی علی(ع) همچنان پایرجا بود. دوم: قبل از ورود شامیان و فریب افکار عمومی توطئه معاویه فرو شکست و او نتوانست از این قضیه برای القای ناکارآمدی علی(ع) بهره برداری کند.

خلیفه بن خیاط می نویسد علی(ع) پس از مشورت با افرادی چون حجر بن عدی و سعید بن قیس همدانی، معقل بن قیس ریاحی را به عنوان فرمانده نبرد با شامیان برگزید (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۹۸)؛ و او را مأمور کرد تا سپاهی از زبندگان و جنگاوران را فراهم و راهی حجاز شود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶۷/۵۹).

معقل بن قیس ریاحی (م. ۴۲ یا ۴۳) از کارآمدترین کارگزاران امام علی(ع) بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶۷/۵۹). او مأموریت یافت تا با یزید و شامیان مقابله کند (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴: ۱۹۸). بلاذری می نویسد معقل در بین مردم حرکت می کرد و آنها را به جهاد می فراخواند. سرانجام ۱۹۰۰ و به قولی ۱۷۰۰ نفر فراهم آمدند و در ۱۲ ذی حجه راهی حجاز شدند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۳/۲).

امام علی(ع)، قثم را از اعزام معقل آگاه کرده و خاطر او و مکیان را آرام نمود. در بخشی از نامه آن حضرت چنین آمده است: "من جمعی از دلیر مردان مسلمان را همراه مردی با گوهری والا و ورع تقوایی پسندیده یعنی با معقل بن قیس ریاحی به سوی شما فرستادم. و معقل را فرمان دادم که مهاجمان را تعقیب کند و آثارشان را براندازد" (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲)

با این حال سپاه عراق زمانی به مکه رسید که شامیان رفته بودند. معقل آنها را تعقیب کرد و سرانجام در وادی القری به عقبه سپاه یزید دست یافت و ۱۰ نفر از آنها را اسیر کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۴/۲) و با اسرای عراق معاوضه نمودند (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۸۸-۱۸۷). ابن اعثم

و ثقفی بر این باورند که معقل شکست سختی بر یزید و شامیان وارد نمود (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۳/۴-۲۲۰؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲-۵۰۴).

۵. تحلیل مواضع قثم بن عباس در برابر یزید

امام علی(ع)، قثم بن عباس را در سال ۳۶ و به احتمال قوی پیش از حرکت به بصره بر امارت مکه منصوب نمود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۰۰/۲) و تا آخر حیات آن حضرت ابقا گردید (طبری، ۱۴۲۹: ۱۵۵/۵). آن حضرت در سال ۳۹ به قثم فرمان داد تا علاوه بر اداره امور مکه، امور حج را تدبیر نماید، از مردم برای آن حضرت بیعت بگیرد و آنها را برای مقابله با تجاوزگران بسیج نماید (امام علی(ع)، ۱۳۸۰: نامه ۳۳).

قثم زمانی مکیان را فراخواند که شامیان در جحفه مستقر شده بودند؛ اما مردم اعتنایی نکردند و خاموش ماندند. قثم این را نشانه سرپیچی از فرمان امام علی(ع) و همراهی با شامیان دانست و با این توجیه که سپاهی برای مقابله با شامیان نیست؛ تصمیم به کناره‌گیری و خروج از مکه گرفت؛ اما ابوسعید خدری او را از این کار بازداشت (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲-۵۱۳). خدری در این زمینه ۳ استدلال زیر را مطرح و عملکرد قثم را مورد نقد قرار داد: ۱. در نظر گرفتن خداوند. ۲- اطاعت از امام علی(ع). ۳- ضرورت دفاع از حرم و جان مردم (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). بدین ترتیب روشن می‌گردد برخی از صحابه مانند ابوسعید خدری مهم‌ترین مسئله را دفاع از حرم و پرهیز از هر گونه درگیری و خونریزی در مکه می‌دانستند (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲-۵۱۳).

سرانجام قثم در مکه ماند و با یزید، فرستاده معاویه، برسر امامت شیبیه بن عثمان عبدری توافق کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۶۲/۲). اهمیت این توافق چنان بود که یزید آن را فتح بزرگی دانست و خداوند را به خاطر اطاعت از فرمان معاویه، انجام حج و دفع شر دشمنان سپاس گفت (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۳/۴). برای ارزیابی کنش قثم و تحلیل مواضع و دیدگاههای او بیان چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

نخست: قثم بن عباس از جمله کارگزاران با تجربه امام علی(ع) بود و در اداره مکه و تدبیر پیشامدهای متعددی چون توطئه ناکتین و دفع غارت ضحاک بن قیس فهری توفیق یافته بود (ثقفی، ۱۳۹۵: ۳۳۰/۱).

دوم: امام علی (ع)، مکیان را از توطئه معاویه آگاه و فرمان آماده‌باش عمومی داده بود. اما آنها فرمان امام را اجابت نکرده و چه بسا در جهت خلاف آن حرکت کردند. قثم هم به همراهی و نیکخواهی مکیان اعتماد نداشت. کمی جدی تر و به تعبیر ابوسعید خدری بدگمان بود و آنها را ملامت می‌کرد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲-۵۱۳). این تحلیل قثم اگرچه به واسطه تجربه حکمرانی او در مکه و دیگر شواهد تاریخی که اشاره شد، یک واقعیت تلخ به‌شمار می‌آمد؛ اما از آنجا که مکیان از شامیان هراس داشتند (ابن منظور، ۱۴۰۲: ۲۱/۱۰) به صحابه و قریش دل سپرده و راهی فراسوی جهاد و رویارویی با شامیان را دنبال می‌کردند.

مطابق این امر، بخشی از مشکلات قثم بن عباس در مکه مربوط به مشارکت محدود مردم و سازش و آسوده‌خواهی آنها بود. اگر این را هم اضافه کنیم که بزرگان صحابه و مشاهیر مکه خواستار صلح و چه بسا همراهی با معاویه بودند؛ می‌توان دریافت که چرا یزید در نخستین گام مکیان و قریش را محل توجه و تصمیم‌گیری قرار داد.

سوم: مواجهه قثم بن عباس با شامیان و مواضع او نسبت به امام علی (ع) محل بحث و تأمل است. قثم به خوبی از اهداف شوم معاویه در طرح غارات آگاه بود و حضور شامیان را در مکه در ادامه حکمیت و حوادث عراق می‌دانست. به علاوه قثم سفارش امام علی (ع) به صبر، پایداری، نیکخواهی و پرهیز از ترس و اضطراب را نادیده گرفت. نسبت به حضور به موقع معقل بن قیس و نیروهای پیشتنبانی عراق و شکست شامیان تردید کرد و نامه آن حضرت را نشانه ای از وعده و امید دانست (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۱۲/۲-۵۱۴).

او با این توجیه که به تنهایی و دست خالی در برابر شامیان دوام نخواهد آورد (ثقفی، ۱۳۹۵: ۵۰۹/۲-۵۱۴)؛ امکان استقرار شامیان را در مکه فراهم آورد. در نتیجه، یزید بن شجره بدون هیچ مقاومتی وارد مکه شد و با همراهی مکیان امور آن را از اختیار قثم در آورد. از گزارش‌های تاریخی دریافت می‌گردد؛ قثم در این زمان امیری بود که نه فرمانی داد و نه مطاعی داشت. این در حالی بود که شامیان قصد و نیروی کافی برای تصرف مکه و مقابله با قثم بن عباس را هم نداشتند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۳۸/۱۶).

این مواجهه درباره فردی چون قثم بن عباس محل بحث و گفتگو است. شاید بتوان گفت این شتاب‌زدگی، از سر اعتراض و قهر بود یا احتمال ضعیفتر آنکه برای حفظ حرمت حرم و ساکنان آن بود. شاید آنچه ترس و هراس قثم بن عباس را از شامیان و فرستادگان معاویه دوچندان می‌ساخت؛ طرح قضیه مشارکت او در قتل عثمان و توطئه جنگ قریشی معاویه بود.

رفتار مشابه قثم در مواجهه با بسر در راستای تقویت احتمال اخیر قرار دارد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۵۴/۲).

اما به واقع هر سه توجیه قابل پذیرش نیست و می‌توان گفت که قثم بن عباس مطابق فرمان و اراده امام علی (ع) پیش نرفت. از این رو یکی از عوامل موفقیت نسبی رهاوی ضعف تدبیر و عملکرد برخی از کارگزاران امام بوده و قثم به ترتیب در سه محور، امام علی (ع)، مردم (صحابه) و شامیان دچار تردید، سوء تدبیر و ضعف شد. صغیر، نویسنده معاصر تصمیم قثم برای کناره‌گیری و خروج از مکه و بهانه‌جویی او را در رویارویی با شامیان، مصداق ترک خدمت و نشانه وهن و ضعف وی می‌داند که در نهایت سبب عدم توفیق دولت امام علی (ع) شد (صغیر، بیتا: ۳۱۱/۱).

۶. نتیجه‌گیری

شخصیت یزید بن شجره رهاوی و اثرگذاری او بر تحولات تاریخ صدر اسلام بیانگر آن است که این تحقیق فراتر از شرح شخصیت یا تبیین واقعیت‌های تاریخی؛ موضوع مهمی برای شناخت جایگاه مردم و افکار عمومی در امر سیاسی، مناسبات جریانهای فکری دوران خلافت امام علی (ع) و تحلیل و ارزیابی علل وقوع تغییرات اجتماعی جامعه اسلامی در قرن نخست هجری به شمار می‌رود. مطابق این امر می‌توان گفت:

۱. معاویه در راستای طرح غارات، به یزید مأموریت داد تا در مکه: ۱- با قریش دلجویی و همراهی کند. ۲- قاتلان عثمان را مجازات نماید. ۳- از مردم برای معاویه بیعت بگیرد. براین اساس مأموریت یزید در مکه اجرای طرح براندازی حکومت علی (ع) و بهره‌مندی از موقعیت مکه و قریش برای انتقال قدرت به معاویه بود.

یزید با شعار صلح طلبی، ضرورت اجرای احکام شرع و الزام خصم وارد عمل شد و در نهایت با بکارگیری شیوه تهدید و ارعاب؛ زمینه پذیرش و رسمیت یافتن خلافت معاویه را فراهم آورد. همچنین براساس طرح توازن منفی اقتدار و مشروعیت امام علی (ع) را نقض و با بازسازی تئوری حق مردم (قریش) در امر سیاسی، حق وصایت و بیعت پیشین صحابه و تابعین با آن حضرت را انکار کرد.

۲. راهبرد اصلی امام علی (ع) در این قضیه دفع توطئه معاویه و شامیان براساس سه مقوله مهم جهاد، ضرورت حفظ حرم الهی و اقامه حق بود. قاطعیت آن حضرت در این قضیه بر

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزی) ۱۴۳

دو اصل استوار بود: ۱- حفظ تمامیت ارضی قلمرو اسلامی و مقابله با مصادیق فساد ۲- رد توطئه معاویه درباره القای ناکارآمدی آن حضرت.

۳. از عوامل موفقیت نسبی رهاوی، ضعف تدبیر و عملکرد نابهنگام قثم بن عباس در مکه بود. بخشی از مشکلات قثم به مشارکت محدود مردم و خواص، سازش پذیری و آسوده‌طلبی آنها و نقش گروههای فشار و مخالفان امام علی(ع) در مکه بازمی‌گشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره تلفظ رهاوی به فتح و ضم راء اختلاف است. جوهری رهاوی به ضم را منسوب به قبیله رها می‌داند (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۳۶۶/۶). ابونعیم آن را به صورت ضم آورده و یزید را از اهل شام می‌داند (ابونعیم، ۱۴۱۹: ۲۷۹۴/۵) ابنمنظور به نقل جوهری و البته کمی صریح‌تر رها به ضم راء را برای شهری در جزیره و قبیله هر دو آورده و نسبت رهاوی را برای هر دو بکار می‌برد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۳۴۴/۱۴-۳۴۵). نظر ابن‌کلبی، ابندرید و دیگر لغویان هم این‌گونه است. تنها ابن‌اثیر می‌نویسد رهاوی با فتح راء منسوب به قبیله رها و رهاوی با ضم راء منسوب به منطقه رها در شام است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳۷۹/۳؛ ابن‌اثیر، بی تا، ۴۵/۲). به نظر می‌رسد ابن‌اثیر در این زمینه از طریق عبید الغنی بن سعید روایت کرده که زبیدی آن را رد می‌کند (زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۸۶/۱۹) و ابن‌ماکولا نیز به آن اشکال وارد می‌کند (ذهبی، بی تا: ۱۶۹/۴). حموی به نقل از ابن‌جریر نصرانی می‌نویسد شهر رها همان ادس (اذاسا) است که به خاطر سکونت بنی رهاء در این شهر به رها و رهاوی منسوب به آن است (حموی، ۱۴۱۱: ۱۰۶/۳)..

۲. درباره نام این بخش از نسب رهاوی اختلاف است: یزید بن منبه (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۷۱۹/۴؛ ابن‌حزم، بی تا: ۴۱۳/۱) یا منبه بن یزید (زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۸۶/۱۹)

۳. گزارش ذهبی در این زمینه با دیگران اختلاف دارد و براساس آن دریافت می‌گردد که وقتی قثم قصد جنگ با یزید و شامیان را نمود خدري و دیگر اصحاب و تابعین پادر میانی کردند و بر سر شیبه بن عثمان به عنوان مرضی الطرفین برای اقامه حج توافق کردند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۳۷/۲). این خبر در مقایسه با سایر گزارشهای تاریخی محل نقد و تأمل بسیار دارد و هر گونه تحرک و تصمیم را از شامیان نفی و به مکیان و کارگزاران امام علی(ع) نسبت می‌دهد.

۴. شیبه پیش از این مسئولیت، منصب کلیدداری خانه خدا را برعهده داشت (ذهبی، ۱۴۱۳: ۵۳۷/۲).

کتابنامه

- ابن تغری، یوسف [بی تا]، *النجوم الزاهرة*، مصر: دارالکتب
ابن عبدالبر (١٤١١)، *الاستیعاب*، بیروت: دارالجمیل
ابن ابی الحدید (١٤٠٤)، *شرح نهج البلاغه*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی
ابن اثیر، علی (١٣٨٥)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: داربیروت
ابن اثیر، علی (بی تا)، *اللباب*، بیروت: دارصادر
ابن اثیر، مبارک (١٣٩٩)، *النهائية*، بیروت: المكتبة العلمية
ابن اثیر، علی (١٤٠٩)، *اسد الغابه*، بیروت: دارالفکر
ابن اعثم، احمد (١٤١١)، *الفتوح*، بیروت: دارالاضواء
ابن جوزی، عبدالرحمن (١٤١٢)، *المنتظم*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن حبان، محمد (١٣٩٣)، *الثقات*، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية
ابن حجر، احمد (١٤١٥)، *الاصابه*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن حزم (بی تا)، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن زنجویه، احمد (١٤١٧)، *الأموال*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن سعد (١٤١٨ق)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن عبدربه (١٤٠٤)، *العقد الفريد*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن عساکر (١٤١٥)، *تاریخ مدینه دمشق*، دمشق: دار الفکر
ابن قتیبه دینوری (١٩٩٢)، *المعارف*، قاهره: الهيئة المصرية العامة
ابن قتیبه (١٤١٠)، *الإمامة والسياسة*، بیروت: دارالاضواء
ابن کلبی (١٤٠٨)، *جمهره النسب*، بی جا: عالم الکتب
ابن ماکولا (١٤١٠)، *تهذيب*، بیروت: دارالکتب العلمیه
ابن منده، محمد (١٤١٧)، *فتح الباب*، ریاض: مکتبه الکوثر
ابن منظور (١٤٠٢)، *مختصر تاریخ دمشق*، دمشق: دارالفکر
ابن منظور، محمد (١٤١٤)، *لسان العرب*، الثالثه، بیروت: دارصادر
ابونعیم اصبهانی (١٤١٩)، *معرفة الصحابه*، ریاض: دارالوطن.
احمد صبحی منصور (٢٠١٩/١٠/٢٦)، *الأصل التاريخي لتقسيم العالم الى (دار السلام ودار الحرب)*:
دور معاوية = http://www.ahl-alquran.com/arabic/show_article.php?main_id=14653

نقش یزید بن شجره رهاوی در ناپایداری موقعیت ... (مریم سعیدیان جزئی) ۱۴۵

- احمدی، علی (۱۴۲۲)، *الاسیر فی الاسلام*، قم: النشر الإسلامی
- امین ناجی، محمدهادی؛ محمد مهدی جعفری و مزگان حامی (۱۴۰۱). «بررسی کنشهای تحمیدی امام علی (ع) با مردم و سپاهیان در مواجهه با قاسطین با تکیه بر نهج البلاغه»، پژوهش نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان، ۳-۲۷
- امام علی بن ابی طالب (۱۳۸۰)، *نهج البلاغه*، تحقیق سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، قم: صفحه نگار بخاری [بی تا]، تاریخ الكبير، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷)، *انساب الاشراف*، بیروت: دارالفکر
- بیضون، ابراهیم (۲۰۱۹/۱۰/۲۶)، *حرب الثغور صراع لا یهدأ صیفاً ولا شتاء صفحات مشرقة من تاریخ العرب*، <http://www.10369rbi.info/Article.asp?ID=3>
- پورآرین، فواد؛ عباس روغنجیان (۱۳۹۴). «غارات معاویه و تأثیر آن در برآمدن امویان»، تاریخ نو، شماره ۱۳، صفحات ۲۹-۶۸
- ثقفی، ابراهیم (۱۳۹۵)، *الغارات*، تهران: انجمن آثار ملی
- جاحظ، عمرو (۱۳۷۵)، *التاج فی اخلاق الملوک*، بیروت: دارالفکر
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم
- حاجی زاده، یدالله (۱۴۰۱). «واکاوی علل قصاص قاتلان عثمان توسط امیرالمومنین (ع)»، پژوهش نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان، ۹۵-۱۱۱
- مبلغ، نرگس؛ مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۹۶). «تحلیل شخصیت معاویه براساس گزارش های تاریخی حکومت او»، پژوهش نامه علوی، سال ۸، شماره ۱، بهار و تابستان، ۷۱-۹۶
- حموی، یاقوت (۱۴۱۱)، *معجم البلدان*، بیروت: دارالجیل
- خلیفه بن خیاط (۱۴۱۴)، *تاریخ*، بیروت: دارالفکر
- ذهبی، محمد (۱۴۱۳)، *سیر اعلام النبلاء*، التاسعه، بیروت: الرساله
- ذهبی، محمد (بی تا)، *تاریخ الاسلام*، بی جا: المكتبة التوفيقية
- رازی، ابن ابی حاتم (۱۲۷۱)، *الجرح والتعديل*، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴)، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، *الکشاف*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی
- سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، *الانساب*، حیدرآباد: دایره المعارف العثمانية
- شوشتری، محمد تقی (۱۴۲۲)، *قاموس الرجال*، قم: جامعه مدرسین
- صحرای، سلمه [بی تا]، *الانساب*، عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة

۱۴۶ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- الصغیر، محمد [بی تا]، الامام علی علیه السلام سیرته و قیادته، بی جا: العارف
طبری، محب الدین (۱۴۲۸)، ذخائر العقبی، قم: دار الکتب الإسلامی
طبری، محمد (۱۴۲۹)، تاریخ الامم و الملوک، لبنان: دار احیاء التراث العربی
طبری، محمد (۱۴۱۲)، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه
عباسی، علی اکبر (۱۳۹۶)، «تحلیل بحران آفرینی معاویه در مناسک آخرین حج دوران خلافت امام
علی (ع)»، پژوهشنامه حجوزیارت، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۸۹-۱۰۵
فیروزآبادی، محمد [بی تا]، القاموس المحیط، بیروت: دارالعلم
مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷)، جانشینی محمد (ص)، ترجمه احمد نمائی، مشهد: آستان قدس رضوی
المبرد، محمد (۱۴۱۷)، الکامل، الثالثه، قاهره: دارالفکر العربی
نمازی، علی (۱۴۱۴)، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران: فرزند مولف
واحدی، علی (۱۴۱۱)، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیه